

روایتی از توهین بی‌شرمانه روزنامه اطلاعات به امام‌خمینی(ره)

و اعتراض انقلابی‌های مشهد به این اقدام

خروش خراسان

امید حسینی‌نژاد

چهارشنبه، چهاردهم دی ۱۳۵۶، یادداشتی در پاکنی ممهور به مهر وزارت دربار (در جریان برگزاری کنگره فوق‌العاده حزب رستاخیز از سوی فرستاده هویدا و وزارت دربار) در اختیار داریوش همایون، وزیر وقت اطلاعات و جهانگردی و قائم‌مقام دبیرکل حزب رستاخیز، قرار گرفت تا در اولین فرصت ترتیب چاپ و انتشار آن را بدهد. داریوش همایون این کار را انجام داد، اما در خاطراتش به این مسئله اشاره کرده که از محتوای آن یادداشت اطلاعی نداشته است. به‌رحال در هفدهم دی ۱۳۵۶ خورشیدی این یادداشت در روزنامه «اطلاعات» منتشر شد، از امام^(۲) دست به اتفاقات بزرگی را در تاریخ انقلاب اسلامی‌رقم‌زدن هم‌باش‌روشوع اعتراضاتی که از ۱۸ دی ماه در مشهدود دیگر شهرهای ایران شکل گرفت. در آن مقاله که فردی به نام احمد رشیدی مطلق نوشته، توهین‌های شدیداللحنی به امام خمینی^(۳) شده‌بود، اما مضمون و محتوای توهین آمیز این یادداشت سابقه‌ای پیش از این تاریخ نداشته است. مردم ایران و کسانی که دل در گرو رهبر کبیر انقلاب اسلامی داشتند، این هتاکي را برتنابیدند و اعتراض‌های گوناگونی در برخی شهرهای ایران شکل گرفت. جامعه روحانیت وحوزه‌های علمیه نیز برای حمایت از امام^(۲) دست به اعتراض‌ها و راهپیمایی‌هایی زدند. دراین گزارش قصد داریم به پشت‌پرده‌های این اقدام حکومت پهلوی برای تخریب چهره امام خمینی^(۳) اشاره‌ای داشته باشیم و واکنش حوزه علمیه مشهد و مردم این دیار را بررسی کنیم.

- یادداشت هتاکانه «آفتاب شرق»

پس از درگذشت مشکوک سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی^(۴)، در اول آبان ۱۳۵۶ در نجف، فرصتی دست داد تا در مجالس یادبود ایشان در شهرهای تهران، مشهد، قم و چند شهر بزرگ دیگر، نام امام خمینی^(۴) مکرر و علنی در جامعه خفان زده آن روزگار مطرح شود. به همین دلیل رژیم شاه احساس خطر می کرد و برای آنکه به خیال خود چهره امام^(۴) را بین اذهان خدشه‌دار کند، به عوام‌لش در روزنامه «آفتاب شرق» مشهد دستور داد مقاله‌ای را با عنوان «راز پرده برون افتاده» منتشر کنند. آن دوران مشخص نشد چه کسی این یادداشت را نوشته وحدسی نیز درباره نویسنده این نوشته زده نشده است، اما مقاله در سوم دی ۱۳۵۶ روی بچه جراید قرار گرفت و ماجرا از همین جا آغاز شد.

روزنامه «آفتاب شرق» با موجی از مخالفت‌های مردمی روبه‌رو شد و همچنین واکنش شدید مراجع مقیم مشهد را در پی داشت، آن چنان که طلاب و علما کلاس‌های درس حوزه مشهد را به‌عنوان اعتراض تعطیل کردند و طلاب مشهد ضمن اجتماع در مقابل مدارس علوم دینی نواب، سلیمان‌خان، میلانی و ملاحیدر، به چاپ مقاله

نظمیه، دزدها را به جاروکشی در خیابان مجبور کرد

از میان خبرهای روزنامه حبل‌المتین با موضوع مشهد

درباره روزنامه حبل‌المتین:

حبل‌المتین تأثیرگذارترین روزنامه پرتیراژ دوره قاجاریه به‌شمار می‌رود که بیش از ۲۸سال در کلکته هندوستان و تهران منتشر شد. این روزنامه نقش بسزایی در انعکاس رویدادها و به‌ویژه تنویر افکار و اندیشه‌های این دوره داشت و یکی از عوامل مؤثر پیدایش نهضت آزادی‌طلبی در ایران بود. نخستین شماره این جردی ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ قمری به‌گوشش سیدجلال‌الدین کاشانی حسینی منتشر شده است.

خبر سوخته

دم دروازه پایین خیابان



قتل‌ی از پایین

خیابان دهه ۲۰

به روی هم، شود پنگالشان تیز

ببارد از هوا برف پر ریز

گروهی بی‌صدا برگرد آنان

زحیرت جنگلی چون بی‌زبانان

● این بیت‌ها توصیف «دروازه پایین خیابان» است که در کتاب منظومه «مشهدی‌های قدیمی» چاپ و منتشر شده است. مرحوم رضا افضلی در پایان این منظومه برخی کلمات و اصطلاحات آمده در شعر را این‌گونه توضیح داده است.

پایین خیابان: مشهدی‌ها به آن ته خیابان هم می گفتند. گورستان قدیمی این محله بعدها به بوستان وحدت تبدیل شد.

سردو گرمی: اصطلاحی مشهدی است به معنای پرمهری و بی‌مهری، دعاگرفتن برای مهربان کردن همسر یا معشوق.

چشم زخم: ایمنی از بلایی که به واسطه چشم شور می‌رسد. مشهدی‌ها البته به چشم‌زخم، «نظر زدن» می‌گویند.

یکم تا پنجم صفر ۱۳۲۸ قمری

در مشهد امنیت برقرار است. دیروز تلگرافی از ریاست نظمیه سبزوار به رئیس نظمیه قوچان رسید که مشهدی حبیب درشکه‌چی با دو نفر مسافر که یکی آقامحمد و دیگری شاهزاده است، عازم عشق‌آباد شده، با اشیایی که همراه دارند، توقیف نموده، فوراً اطلاع دهید. دو ساعت بعد رئیس نظمیه قوچان جواب داد که حضرات با اسب و اراده هستند. از قرار مذکور این شاهزاده و محمدنام معادل ۲۰هزار تومان جواهر از قبیل شمشه مرصع، تسبیح مروارید و انگشتری و نقره‌الات و غیره از مشهد سرقت نموده و به روسیه می‌رفته‌اند. در قوچان دستگیر و حسب‌الحکم رئیس نظمیه وایالت خراسان آن‌ها را با اسباب تحت‌الحفظ به مشهد عودت خواهند داد.

این روزها اداره نظمیه درذه‌های محبوسین را به جاروکشی خیابان‌ها مشغول نموده و کلمه دزد را هم



- خیزش مردم مشهد

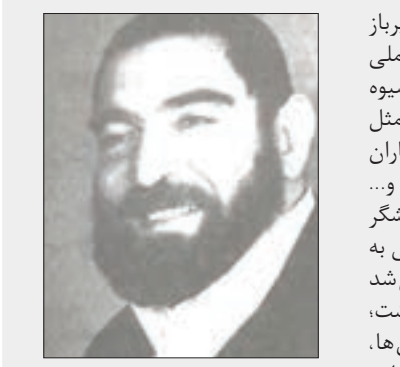
در اعتراض به چاپ مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات، در روز هجدهم مردم و طلاب قم راهپیمایی اعتراض‌آمیزی برگزار شد که به‌درگیری و کشته‌شدن عده‌ای از معترضان انجامید. در مشهد نیز در نوزدهم دی صدها نفر در خیابان خسروی‌نو در اعتراض به تبعید رهبر معظم انقلاب، دستگیری زنان مسلمان مشهد در هفدهم دی(روز اعتراض زنان مشهدی به قانون کشف حجاب رضاخانی)واعتراض به‌مطالب‌توهین‌آمیز روزنامه «آفتاب شرق»، به شخصیت امام خمینی^(۳)، راهپیمایی کردند. راهپیمایان خشمگین شیشه‌های بانک ملی و بازارگانی و نیز تعاونی توزیع را شکستند و با پلیس مشهد درگیر شدند. در حرکتی دیگر در همین روز گروهی از طلاب حوزه علمیه مشهد با تعطیل کردن درستان، مقابل مدارس خیرات خان، میلانی و مسجد ملاحیدر در اعتراض به مقاله روزنامه «آفتاب شرق» تجمع کردند. همچنین آیتا... سیدعبدا... شیرازی در نامه‌ای که ۲۶دی خطاب به مراجع قم، گلپایگانی، شرعتمداری ومرعشی نجفی نوشت، حمله مأموران رژیم به مردم قم در روز نوزدهم‌دی را محکوم کرد. ۱۰ نفر از علما و امامان جماعت مشهد و هجده نفر از مدرسان حوزه علمیه این شهر در اعتراض به دستگیری جمعی از روحانیون مشهد از اقامه نماز جماعت خودداری و کلاس‌های درس را تعطیل کردند.

ناگفته‌نماند، هنوز هم‌ماجرای یادداشت‌هتاکانه روزنامه «اطلاعات» واهداف پشت‌پرده حکومت پهلوی برای درج این مطالب رزنده در هاله‌ای از ابهام است. چاپ این یادداشت خروش انقلابی مردم را دوچندان کرد و سبب شد تا طومار حکومتشان را درهم ببیچند.



نوشته و به جهت معرفی آن‌ها به لباسشان دوخته‌اند. ازجمله سارقین، عبدالله‌لی میرزاست که تحمل این اهانت را نکرده، و به خیال خودش تریاک خورده که انتحار(خودکشی) کند، ولی اثری نکرده و معالجه نمودند.

حسین کور؛ مشهورترین لتی‌خان مشهد



مشهد فردی به نام «حسین کور» بود که مقابل کاروان سرایی در کوچه چهارباغ مشهد دایره می‌زد و ترانه‌های طنز سیاسی می‌خواند. نام اصلی او «حسین قاسم‌زاده» بود و به‌دلیل شغل اصلی‌اش که خوانچه‌کشی مجالس عروسی بود، پسوند خوانچه‌کش را به انتهای فامیلش چسبانده بود. اما جرایه حسین کور مشهور شده بود؟ او فردی بسیار متدین و معتمد اهالی شهر بود و در آمدوشت به منازل مردم چشمش را از ناموس آن‌ها دور نگه می‌داشت. روزده‌ای دلیل به حسین کور مشهور شده بود.



مرضیه ترابی

در قسمت‌های قبل، با هم وضعیت تأسیس مدارس جدید را در مشهد، پیش از پیروزی انقلاب مشروطیت، بررسی کردیم. گفتیم که دست مشهدی‌ها، پیش از این واقعه تاریخی هم در عرصه تأسیس مدارس به شیوه نوین چندان خالی نبود و البته از شیخ‌محمدعلی مدیر، اسدا...فتح...اف و ملک‌العلما به‌عنوان بنیان‌گذاران نخستین مدارس نوین مشهد در این دوره سخن به میان آوردیم. برای تکمیل بحث، لازم است اندکی درباره چگونگی تأسیس این مدارس پس از پیروزی انقلاب مشروطیت صحبت کنیم تا روند شکل گرفتن این‌گونه مدارس در شهر مشهد را بهتر و کامل‌تر بشناسیم.

- مدرسه «رحیمیه» و تلاش‌های حاجی‌عبدالرحیم

همان قدر که محمدعلی مدیر در شکل گرفتن مدارس نوین مشهد، پیش از انقلاب مشروطیت، نقش دارد، حاجی عبدالرحیم صراف هم در جریان تأسیس مدارس، پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، دست‌اندرکار است، آدمی که به‌شکلی عجیب‌وغریب عاشق توسعه فضاهای فرهنگی در مشهد بود و در این راستا از بذل مال، اصلا و ابدا دریغ نمی‌کرد. پس از آنکه مشروطه‌خواهان بر اوضاع مسلط شدند و انجمن‌های آن‌ها در شهرهای مختلف تأسیس شد، در مشهد هم گروهی از طرفداران مشروطه، انجمنی را با نام «انجمن خیریه سعادت» پایه‌گذاری کردندکه نقشی اساسی و انکارناپذیر در تحولات فرهنگی مشهد، در این دوره داشت و در آن مشروطه‌خواهان برجسته‌ای مانند ملک‌الشعرا بهار، سیدحسین اردبیلی و البته حاجی عبدالرحیم صراف عضو بودند. حاجی عبدالرحیم پیش از آنکه برای ساخت مدرسه یا پیش بگذارد و دست‌به‌جیب شود، در کار تأسیس کتابخانه و قرائتخانه فعال بود. شاید خیلی‌ها ندانند که او نخستین قرائتخانه یا سالن مطالعه شهر مشهد را در ششم فروردین سال ۱۲۸۶ خورشیدی راه‌اندازی کرد. مدتی پس از این اقدام و در همان سال بود که انجمن سعادت، در راستای اهداف فرهنگی مدنظرش، تصمیم به تأسیس مدرسه گرفت و این بار هم حاجی عبدالرحیم برای راه‌اندازی مدرسه پا پیش گذاشت. هفته‌نامه «خورشید» با مدیریت محمدصادق تبریزی، معتمدالسلطان، ضمن یادداشتی در همان زمان، به این اقدام اشاره کرده و نوشته است: «[حاجی عبدالرحیم] مرد باهمت مزبور، یک باب منزل ملکی خودشان را در بالاخیابان که ۶هزار تومان قیمت دارد، برای اهدا کردن مدرسه بدون کرایه، مجاناً معین فرموده است. تومن خرج آماده کرد بن و دوست تومان هم برای هزینه خرید اثاثیه مورد نیاز مدرسه اختصاص داده است.» مدرسه‌ای را که حاجی عبدالرحیم صراف افتتاح کرد، به یاد خدمات وی، مدرسه «رحیمیه» نامیدند و تا جایی که می‌دانیم، این مدرسه نخستین مدرسه‌نوینی بودکه در مشهد دوران پسامشروطه تأسیس شد. مدیریت این مدرسه در سال نخست با میرسیدعلی‌خان مدبرالملک بود. مدرسه رحیمیه در سال ۱۲۹۶ خورشیدی ۵کلاس و ۹ آموزگار داشت. این مدرسه بعدها به مدرسه دولتی مبدل شد و تا حدود یک دهه به فعالیتش ادامه داد. شاید جالب باشد که بدانید حاجی عبدالرحیم نخستین کسی بود که به فکر بازسازی آرامگاه نادرشاه در مشهد افتاد و این موضوع در شماره ۲۱ روزنامه مجلس، مورخ هفدهم شهریور ۱۲۸۸ خورشیدی درج شده‌است.

- «اتحادیه سعادت» گام دوم در عصر پسامشروطه

موضوع حضور حاجی عبدالرحیم صراف در گسترش فضاهای آموزشی جدید شهر مشهد فقط به ساخت مدرسه «رحیمیه» محدود نشد. انجمن خیریه سعادت که برای توسعه مدارس جدید در مشهد بی‌تابی می‌کرد، تصمیم به افزایش مدارس گرفت و در همان سال ۱۲۸۶ سنگ‌بنای یک مدرسه جدید دیگر را در این شهر گذاشت؛ مدرسه‌ای که به «اتحادیه سعادت» معروف شد و البته داستان‌شکلی‌گیر و ساختن هم‌داستانی‌جالب‌و خواندنی‌است. گویا انجمن خیریه سعادت تصمیمی می‌گیرد که برای کمک‌رسانی به مشروطه‌خواهان ارومیه که گرفتار کمبود شدید منابع مالی بودند، مبالغی را جمع‌آوری کند. اطلاعاتیه مربوط به این کار را انجمن منتشر کرد، اما ثروتمندان مشهدی چندان به آن روی خوش نشان ندادند و به همین دلیل فقط چهارصد تومان جمع شد که برای ارسال و کمک‌رسانی مناسب نبود. به همین دلیل، انجمن سعادت تصمیم گرفت که این پول را هم صرف تأسیس مدرسه جدید در شهر مشهد کند، اما چهارصد تومان برای راه‌انداختن مدرسه اصلا کافی نبود. پس از طرح موضوع در جلسه انجمن، این بار هم حاجی عبدالرحیم صراف برای کمک به تأسیس مدرسه جدید پیش‌قدم شد. او منزلی را در گندم‌آباد مشهد، جایی نزدیک به مسجد گوهرشاد، خرید و به تأسیس مدرسه جدید اختصاص داد. انجمن، مدیریت مدرسه «اتحادیه سعادت» را به سیدحسین اردبیلی، یکی از مشروطه‌خواهان معروف مشهد، واگذار کرد. او بعدها به‌عنوان نماینده مردم مشهد در دوره دوم مجلس شورای ملی انتخاب شد و در تهران مدیریت روزنامه «مجلس» را برعهده گرفت که به‌نوعی سازمان مجلس شورای ملی محسوب می‌شد.

- نخستین مدرسه تیزهوشان مشهد!

در سال ۱۲۸۷ خورشیدی، آن هم در بحبوحه ماجرای به‌توپ‌بستن مجلس شورای ملی و سقوط ارکان مشروطه، انجمن خیریه سعادت تصمیم به تأسیس مدرسه‌ای خنثیگانی با نام «مدرسه علمیه سعادت» گرفت؛ این مدرسه برای دانش‌آموزانی تأسیس شده که در دیگرمدارس این انجمن، مانند رحیمیه و اتحادیه، رشد خوبی داشتند و یک سرورگردن از هم کلاسی‌هایشان بالاتر بودند، دانش‌آموزانی که نیاز به توجه بیشتر داشتند و می‌شد فضای علم‌آموزی را برای آن‌ها گسترده‌تر کرد. بانی این مدرسه، حاج اسدا...فتح...اف بود که در جریان نقل ماجرای تأسیس مدرسه «معرفت»، در قسمت‌های قبل، از وی یاد کردیم. حاج اسدا... فضای آموزشی مدرسه معرفت، ادا ر اختیار اعضای انجمن خیریه سعادت گذاشت و آن‌ها با قبول خطرات فراوان، در این مکان، جایی در کوچه ارگ، مدرسه علمیه سعادت را افتتاح کردند. اما مکان مدرسه جوابگوی تعداد زیاد دانش‌آموزان نخبه مشهدی نبود. به همین دلیل، چندی بعد آن را به منزلی در محله سراب منتقل کردند و در محل مدرسه علمیه، مدرسه «معرفت سعادت» افتتاح شده که به‌نوعی یاد و خاطره مدرسه حاج اسدا... را هم زنده می‌کرد. مدیریت مدرسه علمیه سعادت در سال اول به مرحوم سیدحسن علمی واگذار شد و او تا پایان عمر این مسئولیت را برعهده داشت. این مدرسه در سال ۱۲۹۶ خورشیدی در دوران قحطی بزرگ، همچنان برقرار بود و شش کلاس با چهار آموزگار داشت. مدرسه علمیه سعادت را باید نخستین مدرسه تیزهوشان مشهد بدانیم.

شهر



تاریخ و هویت

تاریخ و هویت